

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی

دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

شنبه ۸ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۸ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۱۳ دسامبر ۱۹۰۷ میلادی

لایحه بامضاء

بارالها کردگار رحیما داد رسا قسمت مدهیم بذات
بیهمتای واجب الوجودیت و بتمام مقربان درگاه احدیت
که مایک مشقت مات ایران ظاهر مسلمانرا که کوس الوهیت
و وحدانیت تورا بر ملا میزنیم از این بلاهای کونا کون
و خطرهای بی دربی خلاصی بخش و بسا بیچارگان
که سالهای بی پایانت در سمتهای مذلت و عبودیت
و کمال فقر و مسکنت روزگار میگذا ریم راه نجاتی بنما
و از نعمت امنیت و آزادی که عطا کرده
تست و تمام طوائف اممرا بهره وافی و حظی کافی است
مایبچارگان نیز نمایی ده و از این ورطه هولناک رفیت رها
تیمان بخش — کریم کردگار! کر بندگی کردن مختص ذات
یکانه تست بیش از این مارا اسیر طوق عبودیت این ظالمان
مبند این قوم دین و حس شنیدن و نعمت و عقل و
فکر را که بما عطا کرده صرف چه نمائیم ملتظر ورود
اجانب و اعداء خارجه باشیم بحركات دشمنان خواه برانداز
داخله را مشاهده کنیم شور و غوغای دیگرانرا در تقسیم
ملکمان کوش دهیم یا فریاد مظلومان و ذلای یتیمان و
استغاثه بیوه زنان را بشنوم دفع تدابیر دشمنان خارجه
باشیم یا در فکر جاو گیری خیانات وطن فروغان داخله
باب نجات مسدود — راه فرج نامرئی — شب تار جاده ناپیدا
بیابان خطرناک ، قافله و همنانک ، دزد در کمین گاه ، مفسدین
در پی فتنه و هوسا — گشتی حیات ملت دچار چهار موجه
طوفان فنا — خدیا ناخدائی رامدد فرما که مارا از این
هرقاب هلاکت بساحل سلامت رساند

(هم مگر لطف تو از قلب مدد فرماید)

(ورنه مارانبوه هیچ ذکر داد رسی)

پس از آنکه ملت مظلوم ایرانرا کار بجان و کارد
باستخان رحید و ظلم ظالمین بینهایت شد و فغان
مظلومین بفلک هفتمین رسید از تفضلات الهی و عنایات
ظل الهی مملکت ایران دارای سلطنت مشروطه و مجلس
شوری ملی شد که شکسته کی های بی اندازه و زخمهای
بی پایان که روزگار فراوان به بیگر تحریف این ملک و
ملت وارد آمده بود مگر جبران نموده و التیامی دهند
جان و مال مسلمانان محفوظ و حقوق رعایا از تسدی
ارباب جور مصون ماند نعمت امنیت نصیب ملت و سرخط
آزادی بنام همه داده شود زمان پیش را دوره استبداد
میگفتیم و روزگار حالیه را زمان مشروطه میگویند ولی ما
مردیم فرق مین استبداد و مشروطیت را ندانستیم اگر
در زمان استبداد امنیت مالی و جانی نبوده حالاهم که
دوره مشروطه است نیست اغتشاش سرحدات و خونریزی
خوی و ما کو گوا صد اقد اگر امنیت هست و مخصوص بعضی
دون بعض است زمان استبداد هم این امنیت بود پس
تفاوتی نکرده اگر در دوره استبداد آزادی زبان خاصه طائفه
بود دون طائفه حالاهم مختص طائفه دیگریست انهم در
قوم دیگری ابداء فرقی نکرده منتها ان زمان کسی قدرت
نداشت که بگوید فلان وزیر یا بهمان امیر چرا میزند
میبندد میگشد یا فلان حاکم چرا رعایا را صدمه میزند
شکنجه میکند عارت مینماید یا فلان الملك لایق فلان شغل
نیست و امروزه هر چه میخواهند در حق انها میگویند
و معایب آنها را روی دایره میریزند بعوض در جای
دیگر اگر یک کلمه عیب فلان شخص را بگویند و قص فلان
کسرا بنمایند یا آنکه هزار دلیل قاطع و برهان حسی افامه

گفتند انهم با هزار ادب باز از صد جا فریاد ها بلند میشود و داد ها میزنند که چرا چنین حرفی زد یا چنین چیزی نوشته ز بالئش باید از قفا کشیده شود دستش بریده فلش تا ابد ابد هر توبیف بماند چه کرده پاس شاه یابو گفته نسبت بمقام متیع جارت کره خلای پلتیک حرف زده ولی اگر نمود بالله بگوید فلانی عالم نیست یا لایق بودن فلان مقام را ندارد یا فلانکس خیانت میکند مشروطه طلبی را دست آویز اغراض شخصی کرده مگرک بلباس میش است و بیگانه صورت خویش کار میشود مرتد است باید سنگسارش کرد باید بدارش کشید چرا؟ خلای پلتیک حرفی زده امسوس که ما مردیم و تمیز مشروطه واستبداد را ندادیم و فرق ما بین خیانت و عدم خیانت را ندانستیم من گفتم هر چه بادا باد زیرا که اگر مملکت مشروطه است مطابق قانون اساسی امنیت جهانی و نعمت آزادی زبان نصیب تمام افراد ملت است بقانون مشروطیت هیچ کس حق ندارد که بگوید چرا معایب فلان اداره یا فلان کسرا گفتی زیرا که اگر ایراد شخصی کرده و قصص خصوصی گفته باید در محکمه عدلیه استنطاق شود در صورت ثبوت تقصیر بمجازات رسد پس هر یک از افراد ملت حق دارند که معاینه کنند که در کابیه ادارات و لو در مجلس مقدس شوری و لو در دهخص شخصی رئیس محترم به بینند بر طبق اظهار عرضه دارند و رفع آنرا خواستار شوند خلای پولتیک گفته؟ — جلوکیری از این نمیکنند که مردم عیوبان فاش و نواقص آشکار را به بینند و بخیالات مفرضین می برند و ساکت به نشینند و بد خواهان ملک و ملت هر لحظه بشکلی خرابی کار را فراهم آرند صدها انجمن در این شهر بر پا است و در اول تشکیل هر انجمنی نخست بران قسم خورده شده است در همراهی با اساس مشروطیت و مجلس مقدس شوری جانا و مالا و خیانت نکردن بملت ایران عموما و باعضای انجمن خصوصا و تمام رفیع موانع ترقی دولت و ملت ایرانرا بر عهده خود لازم و واجب شمرده اند خلای انرا رفتار نمایند خیانت نیست؟ کویا مصداق خیانت در این مملکت منحصر باین است که کسی مالیرا بطریق امانت نزد شخصی گذاشته و چون در موقع مطالبه کند آن شخص ابا نماید دیگر پارتی ساختن و بتحریک مستبدین بر ضد رئیس مجلس که باتفاق کل مجسمه غیرت و درستی است و خدمات نمایان و حسن اقدامات بی پایانی در این اندک مدت کوشزد تمام اهالی ایران شده کوشیدن خیانت نیست؟ رئیس را که شب و روز خود را صرف اصلاح نواقص میکند و بهمت مرهاله بدون ملاحظه موجبات آسایش

ملت را فراهم می آورد و از قانون مشروطیت و وظیفه ریاست سر موئی تخلف نمیکنند از کار دلسرد کردن خیانت نیست؟ پس از آنکه وکیل معنی وکالت را دالت و شرایط وکالت را فهمید و هیچ یگرا در خود ندید و دالت که شایستگی این مقام را ندارد واستمفا نداد و بر وکالت خود ثابت ماند خیانت بدولت و ملت نگردد؟ اگر وکیل سالهای سال بدون هیچ استحقاق و متصدی شدن خدمتی ده هزار تومان و بیست هزار تومان پول ملت را خورده باشد و امروز باو بگویند که تو این پول را بی جهت میگرفتی علاوه بر این حال که مصلع بخلت وکالت شدی و نماینده ملت هستی دیگر حق نداری چیزی از ملت بگیری مگر همان مواجب وکالت را خیانت کرده؟ معلوم میشود مگرک حق باشد ولی همسایه را اگر کسی هر لحظه از برای پیشرفت اغراض شخصی خود انگشت بشیر زده آبراکل آلود کند خیانت نگردد اگر کسی بگوید اینها نواقص پارلمان است پارتی بازی و اسباب فاقرا فراهم آوردن در مجلس نباید باشد تمام وکلا از رئیس و رؤس باید در یک جاده قدم بزنند و دریک خط سیر کنند کول زبانهای نرم و پلوهای گرم را نخورده دست بدست هم داده دردهای بیدرمان ملت را دوا کنند خلای پولتیک گفته؟ اگر کسی چیزی را که خلای قانون مشروطیت و منافی حفظ استقلال وطن است دید و اظهار کرد خلای گفته و گزاف پیموده؟

(میرزا حسن نامی)

(خلاصه راپورت اتزلی)

حضراتیکه در رشت بنام اشرار در حبس امیر اعظم حکمران کیلان بودند بشفاعت بعضی از آقایان مرخص و دو روز قبل وارد اتزلی شده اند لطف در اینجا است که ورود حضرات باتزلی ما بار کاس خانی از مزه نبوده است یعنی بار کاس تمام ملک ایشانرا وارد کرده (ملک عبارت از بیق است) معلوم میشود حضرات مقصر و یا اشرار نبوده اند

تجار هم که برنجشان بیفاسا رفته و در رشت بودند بانها و عده ادای غرامت و قیمت برنج داده اند مراجعت باتزلی نمودند هر وقت وجه قیمت برنج تاراج عده حضرات وصول شد بداره اطلاع داده خواهد شد (ابوذری)

ایضا

در چندی قبل ده صندوق فشک که هر صندوقی هزار عدد تخمین باید باشد یا چند نفر سالدات و صاحب منصب روس وارد اتزلی کرده برشت بقونسول خاناروس بردند ایضا دیشب با پراخود پست دولتی روس ده صندوق وارد کرده اند گویا سابق هم ده صندوق وارد کرده بودند

من جميع الجهات يست الى سى هزار عدد فشك برای
فوسول خانة گیلان وارد شده و امرکخانه در نهایت ادب
و احترام مرخص نمود. امت قانون بین الدول میگوید سفرها
و قنصل نمیتوانند اداره خودشان را البار و مخزن ناریه
و آلات حرب قرار بدهند کویا این قاعده برای سفراء و
قنصلی است که در مملکت اروپا میمند برای دول مشرق
زمین یا سلاطین اسلام و مملکت اسلام نیست اهالی و
مجاهدین اینجا برای تر تیب قشون ملی منتظر اوامر
دارالشوری و وزیر جنگ اند (ابوزر)

(حبل المتین)

انسان متحیر است در این ایام چه بگوید و چه
بنویسد که با این تباین اغراض و ثرت امراض و هزاران
هوسهای نامشروع که هرکس بر سر دارد حق گفتن
و حق نوشتن مثل پای برهنه روی خار مقلان دویدن
است — بالینحال بر حسب تکلیف خود عرض میکنم
این اغراض و خیالات وقتی است که مملکتی درین
باشد و میدانی از برای جولان باقی باشد و الا هنگامی
که مملکت از دست رفت دیگر بکلی از برای اسب غرض
میدان جولانی باقی نخواهد ماند پس خوب است اول
یک چند روزی جمع شده غرض را موقتا کنار نگاه
مملکت را مخصوص خود کنند و قتیکه یقین کردند که
مملکت باقی است انهنکام هرکاری میخواهند بنمایند
و هر غرضی دارند اولت بکار برند سفیر همسایه باید
از دربار و وزراء امنیت و محافظت سفارتخانه و تبعه
خود را بخواهد نه آنکه لوازم حرب فراهم کند عجب
است اینهمه سفراء در ایران که ممالکشان در نهایت
آرامی است هیچ ازین قبیل کلمات بر زبان جاری نمیکند
تا چه رسد بدانکه بمقام فعیلت آورند و روسیه با اینکه
متصل آثار انقلاب در یک گوشه اش ظاهر میشود و
در این سه ساله چه قدرها نفوس تلف و چه مالها و
ثروتها غارت شد باز اقدام بکارهایی میکنند که مناسب دول
کامله الوداد نیست و هیچ از مراکز رسمیه در صدد
وجلو گیری بر نمیآیند و البته ممانعت نکردن کمربل اتزلی
بر حسب دستور مرگز بوده حال چرا از مرکز چنین
اجازه داده شده و چه نفی در اینکار ملاحظه نمودند
خودش یک مسمای لاینحل است — بهر حال من
از این تاریکی اوضاع سخت تشویش دارم
و جرات دم زدن ندارم خدا بخیر بگذراند
تلگرافی از زنجان — بطهران

بتوسط جناب مستطاب حاجی امین التجار وکیل
انجمن ولایتی زنجان زید اقباله حضور محترم اعضاء
انجمن مقدس اتحادیه انام الله تا ئیداً تمم بعد از ابلاغ
سلام تصدیع میدهم جهان شاه خان پس از آنکه در

خمسه مصدر هر گونه شرارت گشته یکدمه کثیری از
دهات مردم را تا راج و یما و وجهها من الوجوه
از هتک ناموس مسلمانان فرو گذار ننموده این اوقات
اضطراباً عازم طهران گردیده و سیله نجاتی که برای
خود خیال نموده این است مخارج زیادی را از همان
اموال منهبوه متحمل گشته جمعی از اشرار این بلد را
که وظیفه خوار دائمی او هستند برای خود کمک گرفته
همراه بطهران بیاورد که بتقویت ایشان در آنجا دام
حیله و تدلیس را چیده مطلب را بطور اشتباه کاری
موهون نماید و این مسئله اسباب وحشت عموم اهل
خمسه شده است چه اگر این شخص ظالم تمدی از
این ورطه نجات یابد بعد ها زندگانی باهالی بیچاره
خمسه حرام خواهد بود و بهمین واهمه عموم مردم
شهر در خیال بستن بازار و دکا کین بوده که باترک کسب
و تجارت بمقام علاج واقعه بر آیند دعا گو یان محض
ملاحظه حال ضمفا و نظم ولایت مانع از اجرای خیالات
مردم کشته لزوما یان مجلس محترم عرض حال بینمائیم
از آنجائیکه بنای مؤسسن این مجلس مقدس بدل
و داد و تحقیقات کاذبه در امور مردم است امید داریم
جلو گیری از تدلیسات فطریه این ظالم فرموده بندگان
خدا را از تعدیات وحشیا نه او مستخلص و بهر شکل
و ترتیبی که تصویب فرمایند در اسکات متوحشین اینجا
در مجلس مقدس یا از اولیای دولت اقدام فرمایند که
رفع وحشت عامه اهالی این بلد شود دعا گو یان
علی الموسوی شیخ احمد غلام حسین محسن الموسوی
احمد آقا میرزا عباس رضا الموسوی عتی سیف الدین
الحسینی حنیفه حسین الحسینی محمود الحسینی محمد علی
حسین الحسینی اقر جلیل احمد علی ابو الحسن الحسینی
عبد الرحیم

(تلگرافی از آستارا بطهران)

مدرسه سیهسالار توسط جناب شیخ عبدالاحد
ملا محمد و مشهدی محسن طالشی شب یکشنبه دوساعت
بصبح مانده مصباح الملك باشصت سوار وارد قریه
را ککوله باران کرده یک زن و یک طفل تیر خورده مرد
اهل و عیال در جنگل تمام خانه را غارت کردند خودمان
پناه به کمرب خانه آورده رئیس کمرب به طهران تلگرافی
سکرده خواهان توسط جناب آقا سید محمد مجتهد
بدار الشوری تلگرافی کردیم زود علاج فرمائید از دست
رفتیم منتظر جواب اهالی ویرنی سهراب حسن
عبدالله محمدعلی ابوالفضل جهانگیر آقا الله وردی
جمشید عیسی حیدر

(اعلان مدرسه معزیه)

در نظر آریاب ذکاوت و هوا خواهان ترقی ملت و ذوق مثلا آفتاب روشن است که وقتی یک ملت میتواند انور خود را اداره نموده و در مهام ملکی فداخته کنند که قسمت بزرگی از طبقات ملت بمواظف عسر و آلف و علوم جدیده دانا و بصیر باشند هر قدر معلومات یک قومی زیاد تر گردد بهمان نسبت برلیات و قابلیتشان افزوده خواهد شد ملت جاهل چگونه میتواند در میدان پلتیک با حریفان ژبر دست زیرک عالم مسابقه کنند هفاظور که طفق رصیح باتومندان قوی الاعضاب پنجه در پنجه بیالکت و تراحت عقل و شهادت تاریخ بطور صریح بنا میگویند که ترقی یک ملت نادان چون ابر تابستان و آفتاب زمستان سربخ الزوال است و ابدأ اعتماد را نشاید و یشاه تیری است که بر حسب اتفاق از کمان کودکی بر هفتی مراد اصابت کند که بهمچوجه مقصد اعتبار و منتشاء اعتماد نیست —

ملت فرانسه و انگلیس با مخالفت سلاطین خود کاملا موفق بانجاح مقصد مشروعه خود کشته و هرنوع مشکلات بخوبی و همت قلب استقبال کرده از جلور داشتند بدان سبب که دانشمند زیاد داشتند و ملت عثمانی باوجود دیکه سلطان یقسه اجازه افتتاح مجلس مبعوثان داد و رسما بر قرار گردید بواسطه جهالت از عهد لگه داری آن بر تیامه بزودی منفصل گردید حکماء میگویند پیدا کردن ثروت یکدرجه کفایت لازم دارد اما حفظ ثروت ده درجه عقل و درایت ، مشروطیت نیز همین حکم را دارد اولش آسان و عقبش مشکل است چون این مقدمه معلوم شد خدمت عموم برادران وطن که خمیره وجود شریفشان از محبت ملت و وطن و یکنه مقصود مقدسشان حفظ این اساس مقدس عرض مینماید امروز بحکم مقدمه فوق اول چیزی که بر ذمه شما فرض است سعی در تعلیم و تعمیم است تا آتیه را نورانیت همراه بود و فرزندان ما از اثر تعلیم بر محافظت حقوق مشروعه خود لذت داشته باشند و بحال است بدون آنکه فرزندان خود را عالم کنیم از مستقبل مطمئن شویم لذا چندین سال متوالی است که این بنده هیچ نیرتنده در خیال تاسیس یکباب مدرسه بودم مگر از ابتراء خدمتی بعالم انسانیت کرده و ابناء وطن عزیز را بقتل قوه خدمتی کرده بایتم که در آتیه وسیله نجات و آسایش آنان گردیده در پناه معلومات هم به تحصیل امور شخصی و هم بحفظ حقوق نوعی موفق گردند ولی موانع و عواقب مهلت نمیداد و روزگار مساعدت ننمیکرد تا در این ایام که فی الجمله دست و پاها باز شده و موانع تا حدی مرتفع گردیده است پس با اجازه و تصویب وزارت جلیله هماره بدین خدمت

ثائل و تدارک لوازم و اسباب نموده در خیابان حاجی معز السلطان در دروازه قزوین از ان روز بیستم شهر ذی القعدة جاری بحول و قوت الهی مدرسه معزیه افتتاح خواهد شد و عموما اطفالیکه نشان از هفت کمتر نباشند پذیرفته و بیست تن از اطفال یتیم را هم مجاناً پذیرفته و بهدر مقدار در تعلیم آنان جد و جهد خواهد شد

این مسئله را نیز بر خاطر محترم آقایان خود عرضه میدارد که خیال بنده بر آن بود که مدرسه را دو شعبه ساخته یک شعبه مخصوص پسران و شعبه دیگر مختص دختران و بتفصیل بنده مدرسه تیات امروز لازم تر و افتتاح واجب تر است زیرا که بواسطه بیعلمی و جهالت اینطایفه لوازم خانه داری و آسایش شوهران و تربیت فرزندان را ندانسته بزندگانی عمومی خلل وارد میاورند ولی چون بدون تحصیل آذن و اجازه از طرف با شرف حجج اسلام و دستور آن بزرگواران در اصل مدرسه و ترتیبات جزئی و کلی آن شروع در این عسکار جایز نبود لهذا تقدا به همان شعبه مردانه پرداخته و در خصوص مدرسه دختران یا علماء اعلام و مجلس مقدس شورای ملی شهید الله ارکانه مشغول مذاکره هستیم تا از قوانین شرعیة تجاوزی واقع نگشته کار صحیح مشروعه را اقدام کرده باشد انشاء الله بعد از تعیین تکلیف بدان شعبه نیز اقدام خواهد نمود

(بشارت — و تبریک)

بهت و غیرت جمعی جوانان علم تربیت شده محض خدمت بعالم انسانیت و نوع و هماره و وطن مقدس تشکیل انجمنی موسوم به (فرهنگ) داده شده و ضمنا یک مجلس درس مجانی از پانزدهم این ماه نیم ساعت بغروب الی یکساعت و نیم از شب گذشته در آن انجمن دائر و علوم مذکوره در ذیل تدریس میشود — تاریخ — دفترداری — حساب جغرافیا — فرانسه —

بعلاوه اینکه دیناری حق تعلیم گرفته نمیشود لوازم تحریر رجتا داده میشود — طلبین و محصلین از این تاریخ ناروز پانزدهم که رسما کلاس درس افتتاح و شروع خواهد شد روزهای شنبه و چهارشنبه از یک و نیم بغروب تا اول مغرب تشریف ببرند در محله عرب ها نزدیک منزل جناب منصور الحکماء که مرکز انجمن است میل و اراده خود را بر تحصیل بکمیسیون تحقیق اظهار و اعلام دارند — سن متعلمین باید کمتر از هیجده سال نباشد

اعضاء اداره از طرف خود و عموم ملت تشکران خود را از بدل این توجه و تکریم تقدیم مؤسین محترم مینمایند و از خداوند توفیقات هر یک آنها را در راه خدمت بملت و وطن از صمیم قلب مسلت دارد

(حسن الحسینی الکاشانی)